رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۹، شماره پیاپی ۷۸، آذر ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(9), 2022

پدیدار شناسی تجربه زیسته زوجینِ موفق در مورد عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی در شهر شیراز

Phenomenology of successful lived experience of couples on factors affecting marital satisfaction in Shiraz

ابراهیم شیروانی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
زهرا اختری
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه بین الملل، قشم، ایران.
مهران حیدری نیا
کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
آیدا اتحادپور
کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه بین الملل، قشم، ایران.

چکیده

رضایتمندی زوجی از مهم‌ترین مولفه‌های ثبات و پایداری خانواده است و افزایش میزان طلاق در جامعه‌ی کنونی ایران، ضرورت بررسی عوامل موثر بر سازگاری و رضایتمندی زوجی را آشکار می‌کند. پژوهش حاضر با هدف پدیدارشناسی تجربه زیسته زوجینِ موفق در مورد عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی در شهر شیراز انجام شده است. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام‌گردید. از بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر شیراز در سال ۱۳۹۹، تا حد اشباع ۱۵ زوج که از سطح رضایتمندی بالایی برخوردار بودند، برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ۱۵ مصاحبه نیمه-ساختاریافته انجام شد و میانگین و انحراف معیار زمان هر مصاحبه به ترتیب ۴۷ دقیقه و ۲/۵ بود. همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس خط‌به‌خط دست‌نویس‌شد و در نهایت با استفاده از روشِ تحلیلِ تفسیری دیکلمن، آلن و تانر (۱۹۸۹) تحلیل گردید. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۱۷۸ کد اولیه، ۷ زیرمضمون و ۲ مضمون اصلی (عوامل درون-فردی و عوامل بین‌فردی) شد. نتایج مطالعه حاضر نشان‌داد که بنابر ادراکِ زوجین موفق مجموعه‌ای از عوامل درون‌فردی (جرات‌ورزی، بلوغِ عاطفی، عزت‌نفس و ثباتِ درونی) و بین‌فردی (بخشودگی بین‌فردی، تمایزیافتگی و همدلی) بر موفقیت و رضایتمندی زوجی تاثیر دارد. عوامل درون‌فردی و بین‌فردی شناسایی‌شده از جمله عوامل تاثیرگذار بر موفقیت رابطه زناشویی زوجین مشارکت‌کننده بودند. عواملی که پرورش آن‌ها در زوجین می‌تواند امکان موفقی رابطه را تا حد زیادی افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: *تجربه زیسته، زوجینِ موفق، رضایتمندی زوجی.*

Ebrahim Shirvani*
Master of Family Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
shiroebrahim69@gmail.com
Zahra Akhtari
Master of Clinical Psychology, International University, Qeshm, Iran.
Mehran Heydarinia
Master of Rehabilitation Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
Aida Etehadpour
Master of Educational Psychology, International University, Qeshm, Iran.

Abstract

Marital satisfaction is the most important component of family stability, and the increasing rate of divorce in today's Iran society, reveals the need to examine factors affecting adjustment and marital satisfaction. The aim of this study was phenomenology the lived experience of successful couples on the factors affecting marital satisfaction in Shiraz In the present qualitative research; the phenomenological approach is used. This study was performed qualitatively and using a phenomenological approach. Among the couples who were referred to counseling centers in Shiraz in 2020, up to a saturation level of 15 couples who had a high level of satisfaction, were selected to participate in the study. Fifteen semi-structured interviews were conducted and The mean and standard deviation of the time of each interview was 47 minutes and 2.5, respectively. all the interviews were tape-recorded and then transcribed line by line and finally analyzed through the interpretive analysis method of Diekelmann Allen, & Tanner (1989). analyzed data from interviews led to the identification of 178 primary codes, 7 sub-themes, and 2 central themes Including (Interpersonal factors and Intrapersonal factors). The result of this study shows that some of the interpersonal factors (Assertiveness, emotional maturity, self-esteem, and inner stability)and intrapersonal factors(Interpersonal forgiveness, differentiation, and empathy) have effects on marital satisfaction. Identified intrapersonal and interpersonal factors were among the factors influencing the success of the marital relationship of the participating couples. They were factors that raising them in a couple could greatly increase the chances of a successful relationship.

Keywords: *Lived experience, Successful couples, Marital satisfaction.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** فروردین ۱۴۰۱ | **پذیرش:** خرداد ۱۴۰۱ | **ویرایش نهایی:** آذر ۱۴۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و جویایِ بقااست، که همین امر منجر به گرایش وی به تبادل و تعامل با سایر افراد به‌ویژه جنس مخالف می‌گردد، گرایشی که زمینه‌ی شکل‌گیری و تداوم پیوندِ عاطفی ــ جنسی بین دوجنسِ را موجب می‌شود (وانگر[1] و همکاران ، ۲۰۲۰). از زمانِ شکل‌گیری زندگی اجتماعی و گرایشِ افراد به سمتِ تشکیل اجتماعات تا عصرِ حاضر، افراد در قالبِ اشکال و روش‌های گوناگونی با یکدیگر پیوند و رابطه برقرار کرده و می‌کنند که اساسی‌ترین و رایج‌ترینِ این اشکالِ ارتباطی (بینِ دوجنس)، ازدواج[2] می‌باشد (علیزاده‌فرد و رزاقی، ۱۴۰۰)؛ شکلی که به‌عنوان عالی‌ترین رسمِ اجتماعی، با ایجاد پیوند عرفی، شرعی و قانونی بینِ افراد، زمینه‌ی بقا و امنیتِ آن‌ها را از طریق ارضای نیازهای روانی ــ جسمانی (نظیرِ نیازهای عاطفی، نیازه به امنیت و نیازهای مربوط به بقا) فراهم می‌کند و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و تداومِ خانواده[3] به‌عنوانِ ابتدایی‌ترین و تاثیرگذارترین سازمان و نهادِ اجتماعی می‌گردد (مرادی و کشاورز، ۱۴۰۰).

ازدواج و پیوندِ زوجی درصورتی موفق خواهدبود و زمینه‌ی شکل‌گیریِ خانواده‌ای سالم و سازگار را فراهم خواهدکرد که کیفیتِ روابط زوجی[4] (دربرگیرنده سه بعدِ سازگاری زوجی[5]، رضایتمندی زوجی[6]، ثبات زوجی[7]) در سطحِ مطلوبی قرار داشته‌باشد و جوِ ارتباطیِ حاکم برآن، تاحدِ ممکن به‌دور از تعارضات و آشفتگی‌های زوجی[8] باشد (آیدوگان[9] و همکاران، ۲۰۲۱؛ پاداش و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عبارت دیگر موفقیت و تداومِ رابطه‌ی زوجی، تحت‌تاثیر عوامل مختلفِ درونی و بیرونی، نظیرِ ویژگی‌های شخصیتی[10]، اختلالات روانی[11]، سن[12]، جنسیت و ویژگی‌های جنسیتی[13]، تشابه نگرشی و فرهنگی[14] قراردارد که یکی از مهم‌ترینِ این عواملِ تاثیرگذار، کیفیتِ روابط زوجی و داشتنِ سطحِ مطلوبی از رضایتمندی زوجی می‌باشد (سایمیری[15] و همکاران، ۲۰۲۰).

بااین حال پیچیده‌ترشدن جامعه و حرکت در مسیر صنعتی‌شدن، جدای از منافعی که برای بشر به‌دنبال داشته، تمامیِ ابعادِ جامعه‌ی بشری، من‌جمله پیوندِ زناشویی و نهادِ خانواده را تحت‌تاثیرات منفی خویش قرارداده و منجر به گسترشِ انواعِ مختلفی از آسیب‌های درون‌فردی و بین‌فردی نظیرِ اختلال در سطحِ کیفیتِ روابطِ زناشویی و افزایشِ نرخِ طلاق[16] در سطح جامعه شده‌است (براند[17] و همکاران، ۲۰۱۹). طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال، آمار طلاق از سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۳ هرسال نسبت به سال ماقبل آن به‌ترتیب، ۶/ ، ۱۰/ ، ۱۳/ ، ۹/ ، ۵/ ، ۳/ و ۵/ افزایش داشته‌است که پایین‌بودنِ سطحِ کیفیتِ ارتباطیِ زوجین به‌ویژه رضایت و ثباتِ زناشویی ازجمله اصلی‌ترین علل آن می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌هایِ زیادی نشان می‌دهندکه، اختلال در میزانِ رضایتمندی زناشویی و پایین‌بودن میزانِ شادمانی زوجین از روابطِ خویش درچندسالِ اخیر، یکی از اصلی‌ترین عواملِ گرایش زوجین به سمتِ طلاق و سیرِ صعودی نرخِ آن در جوامع مختلف بوده‌است (اسچان[18] و همکاران، ۲۰۱۹).

رضایتمندی زوجی به‌عنوانِ یک عاملِ تاثیرگذار بر موفقیتِ زناشویی و استحکامِ سیستمِ خانواده، مفهومی چندبعدی و گسترده می‌باشد، که براساسِ میزانِ خشنودی، شادمانی و رضایتمندی زوجین از جنبه‌هایِ مختلفِ روابطِ زناشویی خویش، تعریف می‌شود (طیب و قمری، ۱۴۰۰). به‌عبارتِ دیگر، رضایتمندی زوجی، خشنودی و رضایتمندی قلبیِ زوجین از سیستمِ ارتباطی خویش می‌باشد، که ضمنِ تاثیرگذاری بر کیفیتِ روابطِ زناشویی و ثباتِ پیوندِ زناشویی، تحت‌تاثیر عواملِ مختلفی نظیرِ، ویژگی‌هایِ شخصیتی، بلوغِ عاطفی[19]، سن، خلق‌وخو،

1. Wagner
2. Marriage
3. Family
4. Quality of marital relationship
5. Marital adjustment
6. Marital Satisfaction
7. Marital stability
8. Conflicts and marital turmoil
9. Aydogan
10. Personality characteristics
11. Mental disorders
12. Age
13. Gender and gender characteristics
14. Attitudinal and cultural similarity
15. Sayehmiri
16. Divorce
17. Brand
18. Schaan
19. Emotional maturity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

تعهد و میزانِ وفاداری، خانواده و محیطِ فرهنگی قراردارد (نورانی و همکاران، ۱۴۰۰). اوپریسان و کریستیا[1] (۲۰۱۱) ضمنِ تاکید بر نقشِ تاثیرگذار رضایتمندی زوجی بر استحکامِ روابطِ زوجین، از میزانِ احساسِ ارزشمندی و سطحِ عزت‌نفس زوجین به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زناشویی زوجین گزارش‌کردند. تشابه زوجین در ابعادِ مختلفِ نگرشی (نگرشِ اقتصادی، سیاسی، مذهبی، جنسی و فرزندپروری[2]) منجر به تقویتِ ثباتِ روابطِ زوجی می‌شود و با کاهشِ احتمالِ تعارضات و آشفتگی‌های زناشویی، سطحِ رضایتمندی زناشویی زوجین را تاحدِ زیادی افزایش می‌دهد (زارع درخشان و روشن چسلی، ۱۳۹۹). مطالعاتِ بالینی نیز به‌خوبی نشان‌داده‌اند زوجینی که از لحاظِ نگرشی با یکدیگر تشابه دارند نسبت به زوجینی که از این مزیت برخوردار نیستند، سطوحِ بالاتری از موفقیت و رضایتمندی زوجی را تجربه می‌کنند و کم‌تر احتمال دارد به سمتِ جدایی و طلاق گرایش پیدا بکنند (گیورگی[3] و همکاران، ۲۰۱۵).

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی و موفقیتِ زوجی میزانِ احقاقِ نیازهای جنسی طرفین و رضایتمندی آن‌ها از روابطِ جنسی خویش می‌باشد (فلین[4] و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعاتِ بالینی حاکی از آن‌است که زوجینِ موفق از رابطه جنسی و ارضایِ خیالپردازی‌های جنسی خویش به‌عنوانِ یکی از عواملِ تاثیرگذار بر موفقیتِ زوجی خویش باد می‌کنند و زوجینی که در این بُعدِ ارتباطی خویش از رضایتمندی کافی برخوردار نیستند نسبت به سایرِ زوجین از تعارض و نارضایتمندیی بالاتری رنج می‌برند (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۰). پلوپا[5] (۲۰۲۰) در پژوهشِ خویش، ضمنِ تاکید بر نارضایتمندیی زوجی به‌عنوانِ یکی از عللِ اصلیِ جدایی و طلاقِ زوجین، از غریزه‌ی جنسی و ارضای رضایتمندی‌بخش آن در روابط زوجی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی یاد کرد و تاکید نمود که اختلال در ارضایِ مطلوبِ این نیاز، منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس امنیت روانی و جسمانی و در نتیجه خلل در رضایتمندی زوجی و از هم‌پاشیدگی خانواده می‌شود.

خودتنظیمی هیجانی[6] و بیانِ اصیلِ خواسته‌ها، احساسات و هیجاناتِ درونی، در موفقیت و ثباتِ روابط زوجی تاثیرِ زیادی دارد و زوجینی که از این توانمندی‌ها برخوردار هستند با ابراز صریحِ عواطف و احساساتِ خویش در قالبِ بین‌فردی، ضمنِ حفظِ تعادلِ ارگانیسمی خویش، نیازهای عاطفی فردِ مقابل را نیز ارضا می‌کنند که این امر رضایتمندی و نهایتا ثباتِ پیوندِ زناشویی را به‌دنبال دارد (مومنی، ۱۳۹۸). برعکس زوجینی که نسبت به ارضایِ نیازهای عاطفی خویش و طرفِ مقابل در جریانِ روابطِ زوجی بی‌تفاوت هستند با دامنه‌ی گسترده‌ای از تعارضات و آشفتگی‌های زوجی مواجه می‌شوند، تعارضاتی که منجر به بروز نارضایتمندی‌های زوجی و درصورتِ تداوم منجر به طلاق و جدایی زوجین می‌گردد (آلندورف و گیمری[7]، ۲۰۱۳). معنویت و مذهب و پای‌بندی و تعهد بدان در جریانِ زندگی، تاثیرِ زیادی در موفقیت روابطِ زوجینی دارد و ضمنِ افزایشِ پای‌بندی زوجین نسبت به پیوندِ زناشویی خویش و کاهشِ انتظاراتِ نامعقولِ آن‌ها در ابعادِ مختلفِ ارتباطی، به‌عنوانِ یک تکیه‌گاهِ تسکین‌بخش، نقشِ موثری در کاهشِ تنش‌های درون‌فردی و بین‌فردی دارد (سوروکوسکی[8]و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش‌هایِ زیادی داشتنِ اعتقاداتِ مذهبی و پای‌بندی بدان‌را، از عوامل مهم و تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی معرفی کردند و نشان‌دادندکه، سطحِ رضایتمندی زناشویی زوجینی که دارای اعتقادات مذهبی می‌باشند، نسبت به سایر زوجین که از این خصیصه برخوردار نیستند، بالاتر می‌باشد (دیوید و استافورد[9]، ۲۰۱۳).

رضایت از زندگی زناشویی مهم‌ترین تجربه‌ی زیسته‌ای است که بر تداوم رابطه شکل‌گرفته نقش زیادی دارد. اینکه چه عواملی سبب می‌شود تا زوجین از زندگی زوجی خویش رضایت داشته باشند مسئله‌ای است که در این پژوهش مبنای بررسی قرار گرفته است. فرض اساسی این پژوهش آن است که زندگی زناشویی زمانی با رضایت توام خواهد بود که طرفین از توانمندی‌های درون‌فردی و بین‌فردی خاصی برخوردار باشند. توانمندی‌هایی که عبور از مشقات زندگی زناشویی را ممکن ساخته و همچنین مدیریت سازنده ابعاد مختلف آن را ممکن می‌سازد. از این روی پژوهشگر با تمرکز بر تجارب زیسته زوجین رضایتمند تلاش دارد هسته‌های اساسی و تاثیرگذار بر رضایت این گروه از پیوند خویش را شناسایی کند.

1. Oprisan & Cristea
2. Parenting
3. George
4. Flynn
5. Plopa
6. Emotional self-regulation
7. Allendorf & Ghimere
8. Sorokowski
9. David & Stafford

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زندگی زناشویی، صرفا زمانی به‌صورت جامع ممکن خواهد بود که پژوهشگر زمینه را برای گفت‌وگوی عمیق با آن‌ها فراهم کند. در طی این گفت‌وگوها، پژوهشگر پس از ایجاد اعتماد بین‌فردی تلاش خواهد کرد با واکاوی دقیق تجارب زیسته زوجینی که سطح رضایتشان از پیوند خود بالا است، عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی آن‌ها را شناسایی کند. رسیدن به این غایت با استفاده از روش‌های تحقیق کمی چندان ممکن نیست؛ از این روی پژوهشگر بایستی بر روش تحقیق کیفی متمرکز شده و زمینه را برای گفت‌وگوی باز با این گروه از افراد فراهم کند. مسلما این گفت‌وگو منجر به شناسایی عواملی می‌شود که در رضایت زناشویی مشارکت‌کنندگان نقش داشته است. عواملی که می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی غنی جهت پرورش رضایتمندی زناشویی زوجین قرار گیرد. این پژوهش بر این است تا عوامل و ویژگی‌هایِ تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی زوجین را در قالبِ روشِ کیفی و مبتنی بر دیدگاهی پدیدارشناختانه، مورد بررسی و شناسایی قرار بدهد.

روش

مطالعه حاضر به روش کیفی[1] و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی[2] انجام‌شد. پدیدارشناسی هم یک مقوله فلسفی و هم یک روشِ تحقیق‌است که جهتِ درکِ پدیده‌ها از طریقِ تجاربِ انسانی گسترش‌یافت. هدفِ این روش، توصیف و تشریحِ پدیده‌هایِ خاص به‌عنوان تجاربِ زیسته‌است. در فرآیندِ کار بر توصیفِ آن‌چه که افراد بیان می‌کنند، تمرکز می‌شود تا منجر به کشف پدیده‌های تازه شود (گال[3] و همکاران، ۲۰۱۵؛ ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۹۸). مسئله اساسی و لازم برای کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ به‌این سوال‌است که آیا پدیده‌ی موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟. رضایتمندی زوجی مفهومی چندبعدی‌است و دیدگاه و نگرشِ افرادِ مختلف نسبت به این مفهوم و عواملِ تاثیرگذار برآن متفاوت می‌باشد، از این رو پژوهشگران در این مطالعه روشِ فوق را انتخاب‌کردند.

از بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر شیراز در سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۵ زوج که از سطح رضایتمندی بالایی برخوردار بودند، از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. تعداد نمونه نیز براساس اصل اشباع مشخص‌گردید، درواقع فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیداکرد که درجریان کسبِ اطلاعات هیچ داده‌ی جدیدی پدیدارنشد. به‌عبارتِ دیگر، جمع‌آوری داده‌ها تا حصولِ اشباعِ نظری دادها ادامه‌یافت که درپایان، تعدادِ نمونه‌های پژوهش به ۱۵ زوج رسید. در پژوهش حاضر براساسِ هدفِ مطالعه، شرکت‌کنندگان از بینِ زوجینِ مراجعه‌کننده به مراکزِ مشاوره شهرستان شیراز که معیارها و شرایط ورود به مطالعه را داشتند انتخاب‌شدند. معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از: داشتن سطح بالایی از رضایتمندی زوجی، تمایل به مشارکت در پژوهش و حضور توامانِ زوج در فرایند مصاحبه. برای سنجش رضایتمندی زوجین از پرسشنامه رضایت زناشویی کانزاس[4] (KMMS) استفاده شد. مشارکت‌کنندگانی که نمره بالاتر از ۱۷ داشتند (نمره بالاتر از ۱۷ در این پرسشنامه نشان از رضایت زناشویی بالا است) برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. کلاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از عدم‌پاسخدهی جامع به سوالات مصاحبه و دادن پاسخ‌های کوتاه، مشارکت در پژوهش یا مداخله‌ای همزمان و اعتیاد به مواد مخدر. برای دست‌یابی به اطلاعاتی دقیق و جامع، عرصه‌ی مطالعه در حیطه‌ای گسترده انتخاب‌شد و مصاحبه‌شوندگان از بینِ زوجینِ مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان شیراز (حداقل ۴ مرکز)، که شرایطِ ورود به مطالعه را داشتند، توسطِ پژوهشگر انتخاب‌شدند. درواقع پژوهشگر برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، به‌صورتِ حضوری به این مراکز رفته و پس از گفت‌وگو با مسئولین و مشاورین شاغل در این مراکز، به‌صورتی دقیق و حساب‌شده زوجینی را که ملاک‌های ورود به مطالعه را داشتند، برای شرکت در پژوهش انتخاب می‌کرد و همچنین تعدادی از مصاحبه‌شوندگان توسطِ خودِ پژوهشگر از بین دوستان و آشنایان انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته[5] استفاده‌شد. این روش مصاحبه شرایطی را به‌وجود می‌آورد تا شرکت‌کنندگان دیدگاهِ خود را آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با استفاده از زبان و ادبیاتِ خاصِ خود تشریح کنند. مصاحبه‌ها با یک سوالِ کلی در مورد رضایتمندی زوجی و عوامل موثر برآن شروع‌شد و درطولِ انجامِ پژوهش از سوالات کاوش‌گرانه مانند (می‌توانید دراین‌باره توضیحِ بیش‌تری

1. Qualitative method
2. Phenomenological approach
3. Gal
4. Kansas marital satisfaction scale
5. Semi-structured interview

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

بدهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان بکنید؟) جهتِ دست‌یابی به جزییاتِ دقیق و اطلاعاتِ غنی‌تر استفاده‌شد. تعداد ۱۵ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته انجام‌شد که میانگین و انحراف معیار مدت زمان آن‌ها به‌ترتیب ۴۷ و ۲/۵ بود. داده‌ها در طول یک دوره ۲/۵ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامینِ اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردید. برای رعایتِ ملاحظاتِ اخلاقی و محافظت از حقوق مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر بعد از اخذِ رضایتمندی آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهدافِ پژوهش، به آن‌ها اطمینان داد که مطالب مصاحبه‌شده کاملا محرمانه و بدونِ نام‌بردن از افراد ثبت خواهدشد و امانت‌داری در متن مصاحبه رعایت می‌گردد. همچنین گفت‌وگوی ضبط‌شده پس از اتمام تحلیل و نگارش کامل مقاله و چاپ آن پاک خواهدشد و به آزادی افراد در خروج و عدمِ‌ادامه‌ی همکاری شرکت-کنندگان نیز تاکیدشد. لازم به‌ذکر است که درصورت تمایل یک نسخه از مقاله چاپ‌شده به مشارکت‌کنندگانِ در پژوهش داده خواهدشد.

ابزار سنجش

مقیاس کوتاه رضایت زناشویی کانزاس[1] (KMSS): این مقیاس توسط اسچوم[2] و همکاران (۱۹۸۳) طراحی شده است و میزان رضایت زناشویی زوجین را اندازه می‌گیرد و در ایران نیز توسط عرب‌علیدوستی و همکاران (۱۳۹۴) اعتباریابی شد. این مقیاس ۱۰ سوالی پاسخ‌های این مقیاس مبتنی بر مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت طراحی گردیده و از یک تا هفت نمره‌گذاری می‌شود (خیلی‌خیلی ناراضی: ۱؛ خیلی ناراضی: ۲؛ تا حدی ناراضی: ۳؛ نه راضی و نه ناراضی: ۴؛ تا حدی راضی: ۵؛ خیلی راضی: ۶؛ خیلی خیلی راضی: ۷) (عرب‌علیدوستی و همکاران، ۱۳۹۴). اسچوم و همکاران (۱۹۸۳) بیان کردند که نمره بالاتر از ۱۷ بیانگر رضایت زناشویی است و هرچه نمره فرد از ۱۷ بالاتر برود نشان از بالاتربودن سطح رضایت زناشویی است و همچنین پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۸ و روایی سازه مقیاس را بیش‌تر ۰/۸۹ گزارش کردند. در ایران نیز عرب‌علیدوستی و همکاران (۱۳۹۴) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۸ گزارش کردند. همچنین روایی سازه مقیاس را نیز بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۱ گزارش کردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ تا ۰/۸۹ بدست آمد.

جهت تحلیلِ اطلاعات، از روش تحلیلِ تفسیری[3] استفاده‌شد (کوربالی و نیل[4]، ۲۰۱۴). در شیوه پدیدارشناسی روش‌های تحلیلی مختلفی وجوددارد که هرچند بین آن‌ها همپوشانی زیادی وجوددارد، اما روش مذکور در مطالعه موضوعاتِ اکتشافی و مبهم ارجحیت دارد. هدف از تحلیل داده‌ها در این شیوه استخراج مفاهیم و سپس مضامین است. مضامین یک‌سری مشخصه‌های کلی هستند که معنایِ محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوت‌ها را بازنمایی می‌کند. هر مضمون باید یک جزء متفاوت از پدیده را تشریح کند و تعداد مقوله‌ها نباید زیاد باشد بلکه حداقل تعداد مطرح‌است (بورنس و گرووی[5]، ۲۰۰۶). براساس این روش متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناختی کلی از آن حاصل شود. سپس برای هریک از متون مصاحبه خلاصه‌ی تفسیری نوشته‌شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام گردید. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند.

با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر می‌شد و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدیدی شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله-بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرآیند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت و در هر مرحله با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تری انجام می‌شد تا در نهایت ارتباط بین تفاسیر و مضامین جهت رسیدن به نتیجه‌ی نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. درواقع در جریانِ تحلیل، مقوله‌بندی براساس بررسی دقیق اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها، طبقه‌بندی‌ها و مقایسه‌ها صورت گرفت و پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، مضامین مشترک و مرتبط با هم، در قالب مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی ترکیب و مضامین غیرمرتبط حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکتی مداوم بین مفاهیم صورت گرفت و بر مبنای اصولِ نظری حاکم مضامین اصلی و فرعی نامگذاری شدند.

به‌منظورِ بررسی صحت و اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از ۴ شاخص اعتبارِ گوبا و لینکولن[6] (۱۹۸۹) استفاده‌شد. برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، متون مصاحبه هر فردی (تاحدی که ممکن‌بود) دوباره به وی داده شد و در صورت لزوم تغییرات لازم در آن اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگران تلاش کردند که تاحد ممکن از دخالت دادن پیش‌فرض‌های پیشین خود در جریان

1. Kansas marital satisfaction scale
2. Schumm
3. Interpretive analysis
4. Corbally & O'Neill
5. Burns & Grove
6. Guba & Lincoln

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

تجزیه و تحلیل و تفسیر جلوگیری کنند. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از نظارت و همکاری متخصصین استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال یافته‌های پژوهشی تلاش‌شد که مشاورینی در گرایش‌های مختلف انتخاب شوند. لازم به ذکر است در فرایند تحلیل از نظارت یکی از اساتید رشته مشاوره خانواده (دانشیار و متخصص در پژوهش کیفی) استفاده‌شد و متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده در اختیارِ وی قرار داده‌شد و وی نیز به بررسی کدها، مضامین فرعی و اصلی شناسایی‌شده پرداخت و با ایجادِ تغییرات و اصلاحاتِ ضروری یکپارچگی تحلیلِ داده‌ها را ممکن ساخت.

یافته‌ها

تعدادِ ۱۵ زوج (۳۰ نفر) در محدوده سنی ۳۵-۲۷ سال، در مطالعه شرکت‌کردند که سابقه ازدواجِ آن‌ها بین ۶-۴ سال بود. ۴ نفر از آن‌ها بی‌سواد، ۶ نفر دیپلم و زیردیپلم، ۱۳ نفر لیسانس و ۷ نفر فوق‌لیسانس بودند و همچنین۴ نفر از زن‌ها خانه‌دار و بقیه (۲۴ نفر) شاغل بودند. تجزیه و تحلیلِ داده‌ها منجر به شناساییِ ۱۷۸ کد اولیه (که از بیان تمامی آن‌ها به دلیلِ عدمِ نیاز و افزایش حجم مطالب امتناع‌شد)، ۷ زیرمضمون (طبقه فرعی) و دو طبقه اصلی (عوامل بین‌فردی و عوامل درون‌فردی) شد که در جدول (۱) آمده‌است.

جدول ۱: مضامین محوری و زیرمضمون‌های مربوط به درکِ زوجینِ موفق از عواملِ تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی

واحدهای معنایی	زیرمضامین	مضامین اصلی
عدم تلاش برای جبران بدی‌های طرف مقابل، تلاش و پیشقدم شدن برای رفع کدورت‌ها در بیش‌تر مواقع، ترجیح نادیده گرفتن فعل ناشایست دیگری به جای رنج دادن خویش به خاطر فعل او، گذشت از منافع شخصی خود برای حفظ رابطه در بیش‌تر مواقع، فراموش کردن رفتار ناشایست دیگری در صورت توبه قلبی، عدم وسواس فکری و طولانی در مورد رفتار ناشایست دیگری	بخشودگیِ بین‌فردی	عوامل بین-فردی
عدم برخورد صرف عاطفی با مسائل، عدم کناره‌گیری کامل از دیگری به خاطر فعل ناشایستش، پذیرش انتقادهای معقول و سازنده و نشان ندادن واکنش نامعقول در مقابل آن، بیان صریح خواسته‌ها و انتظارات و حتی رنجش‌ها، عدم پذیرش خواسته‌های آزارنده و یا توانایی نه گفتن، برقراری رابطه صمیمانه با افراد مایل، ترجیح دادن مشورت گرفتن از دیگری در کارها به جای وابستگی کامل به وی، بیان صریح افکار خویش و تلاش برای دخالت ندادن احساسات در آن	تمایزیافتگی	
درکِ دنیایِ احساسی یکدیگر، درکِ دنیایِ فکری و شناختیِ یکدیگر، درکِ دنیایِ عملکردی (رفتاری) یکدیگر، درک دنیایِ ارتباطی یکدیگر.	همدلی	
بیان صریح احساسات و خواسته‌ها، بیان صریح رنجش‌ها و ناراحتی‌ها، رد درخواست‌های نامعقول، صحبت واضح در مورد علایق خویش، پذیرش نقایص و عیب‌های خویشتن، داشتن قدرت اعتراف به خطاهای خویشتن و توانایی معذرت‌خواهی	جرات‌ورزی	
آشنایی با احساسات خویشتن و تشخیص آن‌ها در بیش تر موقعیت‌ها، بیان صریح احساسات، اهمیت قائل شدن به احساسات دیگری، اهمیت دادن به کمک به ارضای نیازها و احساسات طرف مقابل، توانایی کنترل و بیان سازگارانه‌ی احساسات منفی مثل عصبانیت، امتناع از انتقاد کوبنده وبهره‌گیری از انتقادات سازنده، توانایی تشخیص احساسات لحظه‌ای طرف مقابل.	بلوغ عاطفی	عوامل‌درون-فردی
ارزش قائل‌شدن برای خویشتن، اطمینان نسبت به توانمندی‌هایِ خویش در ابعادِ گوناگون، مهم و دارایِ شان‌دانستن خویشتن، علاقه به خویشتن، پذیرش قلبی خویش با تمامِ نواقص و ضعف‌هایِ موجود.	عزت‌نفس	
ثباتِ هیجانی، ثباتِ رفتاری، ثباتِ شناختی، ثباتِ ارتباطی، ثباتِ در تصمیم‌گیری.	ثباتِ درونی	

۱) عوامل بین‌فردی

براساسِ تجارب شرکت‌کنندگان، اولین مضمونِ اصلی شناسایی‌شده در پژوهشِ حاضر، عوامل بینِ‌فردی بود که تحلیلِ تجارب حاصل از شرکت‌کنندگان منجر به شناساییِ ۳ زیرمضمون آن‌شد که عبارت‌انداز:

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

الف) بخشودگی بین‌فردی: بخشودگی بین‌فردی به‌عنوان یکی از زیرمضمون‌هایِ عوامل بین‌فردی توسطِ اکثریتِ مصاحبه‌شوندگان به‌عنوانِ یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی آن‌ها و خشنودیشان از زندگی کنونی مورد تاکید قرارگرفت.

" ی قسمت مهم از زندگی ما به‌عنوان ی زوج خوشبخت که تا دلتون بخواد از زندگیمون راضی هستیم قدرتمون تو بخشیدن همه، وقتی یکیمون اشتباهی میکنیم، یا درحقِ دیگری ی بدی میکنیم، حالا چه خواسته و چه ناخواسته اون یکی قلبا میبخشدش، تا الان به یاد ندارم که به فکر تلافی بوده باشیم نه من نه شوهرم" (شرکت‌کننده شماره ۱۶).

" خداییش اگه بخوام تنها ی عامل یا دلیل یا علتِ خوشبختیمون و به قولِ شما رضایتمندیمون از زندگی رو اسم ببرم تنها به قدرتِ بخشیدنمون اشاره میکنم، ببینید ما هم مثل بقیه دعوا و اختلاف داریم ولی به جایِ تاختن و یکی به دو کردن بیش‌تر همدیگه رو با تمام اشتباهاتمون می‌بخشیم، درحالی که زوجین دیگه جای بخشش یکی به دو میکنن و کارشون به جلسات مشاوره و دادگاه و خدای نکرده طلاق میکشه" (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

ب) تمایزیافتگی: تمایزیافتگی یکی دیگر از زیرمضامینِ عواملِ بین‌فردی‌است که تمامی زوجین به‌صورتِ مستقیم و غیرمستقیم بدان به‌عنوان یکی از عواملِ تاثیرگذار بر موفقیت زوجی و یا رضایتمندی زناشویشان به‌کرات مورد تاکید قرارگرفت.

" ببینید ما عقل رو ی طرف و احساسمون هم ی طرف میزاریم، باهم قاطیشون نمی‌کنیم، جای خودش ازشون استفاده میکنیم همین باعث میشه چندان دچار اختلاف نشیم" (شرکت‌کننده شماره ۱).

" من و همسرم هردوتا تحصیل‌کرده‌ایم و شاید به همین خاطر باشه که همدیگه رو با تمام تفاوت‌هایی که داریم پذیرفتیم، شاید من و زنم هزار تا تفاوت با هم داشته باشیم ولی نه من زور میکنم که عقیده من رو بپذیره و نه اون بلکه این تفاوت رو قلبا پذیرفتیم" (شرکت‌کننده شماره ۲۰).

" ببینید ما ی مجموعه ویژگی خاص داریم که سبب شده راضی باشیم از زندگیمون، دوتامون رک هستیم یعنی چی، یعنی اونچه که توی دلمونه رو میگیم، به فردیت هم احترام میزاریم، هیچوقت به‌خاطر اینکه طرف مقابل ناراحت نشه از انجام کار درست امتناع نمی‌کنیم، خلاصه بگم به قول ی روانشناس ما تفردیافته‌ایم" (شرکت‌کننده شماره ۳۰).

پ) همدلی: همدلی و درکِ دنیایِ درونی یکدیگر در ابعادِ گوناگون یکی دیگر از مفاهیمی بود که اکثریتِ شرکت‌کنندگان به‌عنوان یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر موفقیتِ زوجیشان مورد تاکید قرارگرفت.

" ما پابه‌پایِ هم راه میریم، به قول بابام با کفش‌های هم راه میریم، همدیگه رو درک میکنیم، عمیقا و عینا" (شرکت‌کننده شماره ۲).

" درک‌کردن و فهمیدنِ همدیگه تو موفقیت زوجی مهمه من و زنم احساسات و افکار و حتی تصمیمات و خیالات هم رو قشنگ درک میکنیم، هیچوقت بی تفاوت نیستیم به هم هربار که لازم باشه وارد دنیای هم میشیم و همدیگه رو لمس میکنیم" (شرکت‌کننده شماره ۱۷).

" من خودم تاحدی طرفدار نظر راجرزم ی سری مهرات ها رو معرفی کرده واسه موفقیت ارتباط که یکیش همدلیه، خیلی مهمه، با قطعیت میتونم بگم تنها عامل موفقیتمون و اینکه تا این حد از زندگیمون راضی هستیم همین همدلیه" (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

۲) عوامل درون‌فردی

دومین مضمونِ شناسایی‌شده در پژوهش حاضر عواملِ درون‌فردی بود که تحلیلِ تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۴ زیرمضمونِ آن‌شد که عبارت‌انداز:

الف) جرات‌ورزی: جرات‌ورزی و توانایی ابرازِ وجود در ابعادِ مختلفِ احساسی، فکری و رفتاری اولین زیرمضمونِ عوامل درون‌فردی می‌باشد که درجریانِ تحلیلِ تجاربِ شرکت‌کنندگان به‌عنوانِ یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر موفقیت و رضایتمندی زوجی زوجین مورد تاکید قرارگرفت.

" ما ی حسنِ خوبی که داریم و به‌نظرم خیلی توی رضایتمندیمون از زندگی تاثیرگذار بوده اینه که میتونیم نه بگیم، میتونیم احساسمون رو راحت به هم بگیم، اگه باهم مخالف باشیم توی یک موضوعی بدون اینکه طرف مقابل بهش بربخوره اعلامش میکنیم" (شرکت‌کننده شماره ۲۳).

" به‌نظرِ من اینکه دوتامون جرات داریم به خطاهامون اعتراف بکنیم خودش ی عنصر مهمه تو رسیدن به رضایتمندی، جدا ازاین ما بدون ناراحت‌شدن عیب‌های هم رو بهم میگیم و سعی میکنیم رفعش کنیم" (شرکت‌کننده شماره ۵).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

"ابراز وجود خیلی مهمه ما راحت احساسمون رو بهم میگیم، ناراحتی هامون، چه میدونم هرچی به ذهنت برسه، ی نکته مهم دیگه هم اینکه ما از لحاظِ جنسی صریح هستیم یعنی نیازمون رو تو این بعد بدون رودربایستی بهم میگیم" (شرکت‌کننده شماره ۲۹).

ب) بلوغِ عاطفی: بلوغِ عاطفی یکی دیگر از زیرمضمون‌هایِ عواملِ درون‌فردیِ تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی می‌باشد که تمامی مصاحبه‌شوندگان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بدان اشاره داشتند.

"احساس توی زندگی زوجی خیلی مهمه، اینکه بتونی احساست رو بگی و احساسات طرف مقابلت رو بشناسی و درک بکنی، البته مهارت میخواد و بهتر بگم ی نوع بلوغه" (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

" بلوغ عاطفی اساسِ زندگی زوجی موفقه، رضایتمندیمون حاصلِ همینه دوتامون قشنگ میتونیم احساساتمون رو بشناسیم، اسم بزاریم روش و بیانش بکنیم، ازطرفی احساساتِ منفی رو هم کنترل میکنیم و به شیوه درست بیانش میکنیم" (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

" طرف میاد طلاق میگیره یا میره پیش مشاور میگه شوهرم تا الان ی دفه نگفته دوست دارم! خب این طرف به رشد کافی نکرده تو حیطه عواطف، ما دوتامون قشنگک تو حیطه رابطه عاطفی رشد کردیم، ابراز احساساتمون عالیه، هم من و هم اون" (شرکت‌کننده شماره ۲۸).

پ) عزت‌نفس: تحلیلِ تجارب شرکت‌کنندگان در پژوشِ حاضر منجر به شناسایی سومین زیرمضمونِ عوامل درون‌فردی، شد که توسطِ اکثریتِ مصاحبه‌شوندگان به‌کرات به‌عنوانِ دیگر عامل تاثیرگذار در رضایتمندی زوجی ورد تاکید قرارگرفت.

" به‌نظرِ من ما خودمون به خودمون احترام میزاریم همین باعث میشه طرف مقابل بهمون احترام بزاره، این خودش توی تقویت رابطه خیلی مهمه باعث میشه، برخورد ها همیشه محترمانه باشه و رضایتمندی زوجی هم متقابلا بیش‌تر بشه" (شرکت‌کننده شماره ۲۶).

" زن و مرد بهم ارزش نزارن کارشون زاره، ما هم خودمون به خودمون ارزش و شان قائلیم و هم به همدیگه ارزش میزاریم، ارزش قائلیم برای هم،شان هم رو حفظ میکنیم، وقتی اینطوریه خوب بدیهیه از زندگیمون راضی هستیم" (شرکت‌کننده شماره ۲۹).

" اینکه چه عاملی توی افزایش رضایتمندی زوجی ما و اینکه زندگیمون موفقه تاثیر داشته اینه که ما به خودمون و توانمندی‌ها مون اطمینان داریم، خودمون رو حقیر نمیدونیم و سرزنش و سرکوفت نمیزنیم" (شرکت‌کننده شماره ۲۲).

ت) ثباتِ درونی: ثباتِ درونی آخرین زیرمولفه‌ی شناسایی‌شده در زمینه‌ی عواملِ درون‌فردی تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی بود که تعدادِ زیادی از مصاحبه‌شوندگان بر اهمیتِ آن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره‌داشتند.

"ثبات خیلی مهمه، مادوتامون ثبات داریم، مخصوصا توی بعدِ هیجانات، بعضی زن و شوهرها ی روز شادن ی روز غمگین، ولی ما اینطوری نیستیم و بی‌دلیل هیجاناتمون تغییر نمیکنه" (شرکت‌کننده شماره ۲۱).

"شاید از دید خیلی‌ها قابل‌پیش بینی‌بودن یا بهتر بگم ثباتِ رفتاری مهم نباشه ولی به نظر بنده خیلی مهمه، ما ثبات رفتاری داریم واسه همین رضایتمندی زوجیمون خوبه و از زندگیمون راضی هستیم، دلیلش اینه که وقتی ثبات رفتاری نداری و هرروز روی ی دنده هستی خب مسلما طرف طاقت نمیاره و کار به دعوا کشیده میشه" (شرکت‌کننده شماره ۱۸).

" من خودم مطالعه روانشناسیم زیاده به زبان روانشناسی بخوام ی عامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجیمون رو اسم ببرم، به ثبات رفتاری و احساسی اشاره میکنم، حتی ثبات تصمیم‌گیری، ی عامل خیلی مهمه بخوام در موردش صحبت کنم ساعت ها وقت میبره" (شرکت‌کننده شماره ۲۶).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پدیدارشناسی تجربه زیسته زوجینِ موفق در مورد عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی در شهر شیراز بود. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل درون‌فردی شامل جرات‌ورزی، بلوغِ عاطفی، عزت‌نفس و ثباتِ درونی و عوامل بین‌فردی شامل بخشودگی بین‌فردی، تمایزیافتگی و همدلی بر موفقیت و رضایت از زندگی زناشویی زوجین نقش دارد.

آشکار است که عواملِ مختلفی می‌تواند بر رضایتمندی زوجی زوجین تاثیر بگذارد، که از دیدگاهِ مصاحبه‌شوندگان یکی از اصلی‌ترین این عوامل بخشودگی بین‌فردی زوجین بود. زوجینِ دارای رضایتمندی زوجی بالا از قدرت بخشودگی مطلوبی برخوردار هستند، برای رفعِ کدورت‌ها پیشقدم می‌شوند، حسِ انتقام‌جویی ندارند و تلاشی برای جبرانِ بدی‌هایِ طرف مقابل نمی‌کنند و به‌راحتی فعلِ ناشایستِ طرفِ

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

مقابل را در صورتِ اطمینان از پشیمانی وی از یاد می‌برند. نتیجه حاصل از پژوهش‌های احمدی و فاطمی (۱۳۹۸)؛ کیانی و همکاران (۱۴۰۰) با نتیجه فوق همسو است. این پژوهشگران بیان کردند زوجینی که کیفیتِ روابطِ زوجی و سطحِ رضایتمندی زوجی آن‌ها بالا می‌باشد از بخشودگی بین‌فردیِ مطلوبی برخوردار می‌باشند. بالابودن سطح بخشش در روابط زناشویی می‌تواند تا حد زیادی تداوم رابطه را تضمین کند. زوجینِ موفق با وجودِ داشتن اختلافات و تعارضاتِ زوجی به‌مانند سایر زوجین، از قدرتِ بخشودگی بالایی برخوردار می‌باشند و با نادیده‌گرفتنِ تعارضاتِ شکل‌گرفته و کنارگذاشتن هرگونه تلافی و حسِ انتقام‌طلبی، زمینه‌ی حلِ اختلافاتِ موجود را فراهم می‌کنند و با بخششِ طرفِ مقابل منجر به تسکینِ هیجاناتِ منفی حاصل از تعارض و تسهیل دست‌یابی به پیوندی موفق و توام با رضایتمندی را فراهم می‌آورند. ازطرفِ دیگر زوجینِ ناموفق با وقوعِ هرگونه تعارضی سعی در جبران و تلافی آن دارند و هرگونه بدرفتاری نظیرِ پرخاشگری‌های کلامی و غیرکلامی حینِ تعارض را با پاسخی کوبنده‌تر جبران می‌کنند، عاملی که منجر به تشدیدِ آشفتگی و نارضایتمندیی زوجی شده و زمینه جدایی و طلاقِ زوجین را فراهم می‌کند.

زوجین دارایِ رضایتمندی زوجی بالا از سطحِ مطلوبی از تمایزیافتگی برخوردار هستند، درواقع آن‌ها، صرفا برخوردی عقلانی یا عاطفی با موقعیت‌هایِ مختلف ندارند و از این دوقوه به‌صورتِ ترکیبی و متناسب با هر موقعیت استفاده می‌کنند و همچنین از فردیتِ کافی توام با حفظِ روابطِ عاطفی خویش برخوردار هستند و هیچگاه یکی را قربانی دیگر نمی‌کنند. این نتیجه با نتیجه حاصل از پژوهش‌های گلدنبرگ و گلدنبرگ (۲۰۱۵)؛ مومنی (۱۳۹۸) که تمایزیافتگی را به‌عنوانِ یکی از اساسی‌ترین عواملِ تاثیرگذار بر موفقیتِ زوجی مورد تاکید قرار می‌دهند همخوانی دارد. به‌عبارتِ دیگر این پژوهشگران نیز در پژوهش خویش گزارش کردند زوجینی که از رضایتمندی زوجی بالایی برخوردار هستند نسبت به سایر زوجین (که رضایتمندی چندانی در زندگی ندارند) از آمیختگی عاطفی _ عقلانی به‌دور بوده و عملکردی متمایزیافته در ابعادِ مختلفِ زندگی دارند. زوجینی که زندگی زوجی آن‌ها توام با موفقیت می‌باشد، نسبت به تفاوت‌های یکدیگر احترام می‌گذارند و برای آزادی فردی یکدیگر ارزش قائل هستند. در واقع این زوجین در تعاملاتِ خویش فردیتِ خویش را حفظ‌کرده و به فردیتِ طرفِ مقابل نیز احترام می‌گذارند و ضمنِ حفظِ پیوندِ عاطفی خویش با دیگران و با یکدیگر عقلانیت و منطق را در فرایندِ ارتباطی خویش اولویت قرار می‌دهند؛ عاملی که با تسهیلِ حلِ تعارضات و اختلافاتِ زوجی منجر به ایجاد و تقویتِ ثبات و رضایتمندی زوجی می‌گردد. از طرفِ دیگر یکی از عوامل موثر در بروز تعارضات و آشفتگی‌های زوجی دخالت‌های بیجای خانواده‌ها و والدین دوطرف می‌باشد و زوجینی که از تمایزیافتگی کافی برخوردار هستند با مشخص‌کردنِ مرزهای ارتباطی دقیق، از بروزِ هرگونه دخالتِ بی‌مورد و زمینه‌ساز اختلاف پیشگیری می‌کنند و بدین‌شکل ثبات و موفقیتِ پیوندِ خویش را تاحدِ زیادی تضمین می‌کنند.

همدلی (درکِ دنیایِ احساسی، رفتاری، شناختی و عملکردی یکدیگر به‌صورتی عمیق) از دیگر ویژگی‌های زوجینِ دارایِ رضایتمندی زوجی بالا و موفقیت د زندگی می‌باشد که توسطِ مصاحبه‌شوندگان به‌عنوانِ یک اصلِ اساسی و تضمین‌کننده موفقیت و رضایتمندی زوجی مورد تاکید قرار گرفت. درواقع زوجینِ دارایِ رضایتمندی زوجی بالا از قدرتِ همدلی زیادی برخوردار هستند، به‌سادگی و به‌صورتی عمیق احساساتِ یکدیگر را درک کرده و انتقال می‌دهند، در فهمِ دنیایِ شناختی یکدیگر موفق عمل می‌کنند و در تمامی ابعادِ زندگی یکدیگر را قلبا همراهی می‌کنند. این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش‌هایِ بوهارت و واتسون (۲۰۱۱)؛ دیوید و استافورد (۲۰۱۳) که در پژوهش‌هایِ خویش، وجودِ همدلی بینِ زوجی را، اصلی‌ترین عاملِ ثباتِ پیوند زوجی و رضایتمندی از زندگی و عدمِ وجودِ آن را، زمینه‌ساز انحلالِ روابطِ زوجی و افزایش ناسازگاری گزارش کردند همخوانی دارد. یکی از اصلی‌ترین نیازهای زوجین، نیاز به درک‌شدن و مورد توجه قرارگرفتن می‌باشد، نیازی که عدمِ ارضایِ آن شکل‌گیری تعارضات و نارضایتمندیی‌های زوجی را موجب می‌شود، به‌عبارتِ دیگر زوجینی که از رضایتمندی زوجی برخوردار هستند و پیوندِ زوجی مستحکمی دارند نسبت به نیازهای عاطفی یکیدگر و ارضای آن حساس و متعهد می‌باشند و با ارضایِ به‌موقع و مطلوبِ آن ضمنِ لدتِ درون‌فردی خویش، رضایتمندی طرفِ‌مقابل را از خویشتن فراهم می‌کنند.

جرات‌ورزی و توانایی ابراز وجود، از دیگر عواملِ بین‌فردی تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی زوجین می‌باشد که در پژوهشِ حاضر شناسایی‌شد. زوجین دارایِ رضایتمندی زوجی بالا، توانایی ابرازِ وجودِ کافی دارند و به سادگی احساسات مثبت و منفی خویش را بیان می‌کنند، افکار و نگرش‌هایِ خویش را به‌صورتی مطلوب و بدونِ هیچگونه ترسی بیان می‌کنند و در گفتنِ درخواست‌ها و خواسته‌هایِ خویش هیچ ابایی ندارند، عواملی که ضمنِ مستحکم کردنِ پیوندِ زوجی در افزایشِ رضایتمندی بین‌زوجی از تاثیرِ معناداری برخوردار می‌باشد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های اوپریسان و کریستیا (۲۰۱۱)؛ فلین و همکاران (۲۰۱۶) همخوان است. این پژوهشگران تصریح کردند که قدرتِ ابرازِ وجودِ و بیانِ تمایلات و خواسته‌هایِ خویش به‌صورتی واضح و روشن، به‌ویژه در بُعدِ جنسی، با ایجادِ زمینه‌ی مطلوب جهتِ ارضایِ نیازهایِ مختلفِ زوجین و پیشگیری از سرکوبی تمایلاتِ وجودیِ آن‌ها، منجر به بهبود و استحکامِ روابط زوجی و

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

افزایش میزانِ رضایتمندی زوجی زوجین می‌شود. یکی از عللِ اصلی تعارضات و نارضایتمندیی‌های زوجی پنهان‌کاری‌های زوجین و عدمِبیان صریحِ نیازها و خواسته‌های خویش به‌ویژه در بُعدِ جنسی می‌باشد، زوجینی که از موفقیتِ زوجی برخوردار هستند صریح‌بودنِ خویش و نبودِ پنهان‌کاری‌های درون‌فردی و بین‌فردی را یکی از اصلی‌ترین عللِ رضایتمندی و موفقیتِ زوجی خویش می‌دانند، صراحتی که با آشکارکردن و آگاهاندنِ طرفِ‌مقابل از نیازها و خواسته‌های طرفِ مقابل زمینه‌ی ارضا و نهایتا رضایتمندی و ثباتِ زوجی را فراهم می‌کند.

زوجین دارای رضایتمندی زوجی بالا از بلوغِ عاطفی برخوردار هستند و درواقع این زوجین توانایی تشخیص، نام‌گذاری و بیانِ احساسات مثبت و منفیِ خویش را به‌گونه‌ای مطلوب و بدونِ آسیب دارند و همچنین به سادگی می‌توانند احساساتِ طرفِ مقابل خویش را درک کرده و درکِ خویش را انتقال بدهند. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های فرحبخش (۱۳۹۴)؛ مومنی (۱۳۹۸) همخوان است. این پژوهشگران بیان کردند که بلوغِ عاطفی نقش زیادی در بهبود موفقیتِ زوجی و داشتن زندگی سرشار از آرامش و رضایتمندی دارد و نبودِ این توانمندی در زوجین تداومِ زندگی زوجی را با اختلال مواجه کرده و منجر به بروز انواعِ مختلفی از تعارضات و آشفتگی‌هایِ زوجی می‌گردد. در تبیین این یافته می‌توان‌گفت افرادِ دارای بلوغِ عاطفی توانایی بالایی در شناختِ عواطفِ خویش و بیانِ مثبتِ آن، درکِ عاطفی طرفِ مقابل و ارضایِ عاطفی وی برخوردار هستند، عاملی که با تسکین تنش‌های عاطفی و احقاقِ خواسته‌های فردی در این بُعد، موجبِ آرامشِ درونی زوجین‌شده و موفقیت و رضایتمندی زوجی آن‌ها را تضمین می‌کند.

عزت‌نفس و ثباتِ درونی از دیگر عواملِ درون‌فردی تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی زوجین می‌باشد، که در پژوهشِ حاضر و در جریانِ تحلیلِ تجاربِ مشارکت‌کنندگانِ حاضر در پژوهش، مورد شناسایی قرارگرفت. این یافته با نتیجه حاصل از پژوهش کریمی و همکاران (۱۳۹۵) که عزت‌نفس را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت و رضایت زناشویی مورد تاکید قرار داد همخوان است. زوجینِ موفق از سطوحِ بالایی از ارزشمندی و احترام نسبت به خویشتن برخوردار هستند، خود را دوست دارند و نسبت به توامندیِ خویش، برای اداره زندگی زوجی در ابعادِ مختلف، اطمینانِ قلبی دارند و همچنین این زوجین از ثباتِ رفتاری، هیجانی و ارتباطی کافی برخوردار هستند و قدرتِ تصمیم‌گیری مطلوبی دارند و تصمیماتشان توام با ثبات می‌باشد، به‌طورِ کلی عزت‌نفسِ بالا و داشتن ثباتِ درونی ازجمله ویژگی‌های زوجین موفق می‌باشد که از تاثیرِ معناداری در دست‌یابی به زندگی موفق و رضایتمندی قلبی از پیوندِ زوجی برخوردار است. داشتنِ سطحِ مطلوبی از عزت‌نفس و ثبات در ابعادِ مختلفِ عملکردی از جمله عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت و رضایتمندی زوجی می‌باشد و زوجینی که از این ویژگی‌ها برخوردار هستند نسبت به سایر زوجین ضمنِ پایین‌بودنِ سطوحِ تعارضات و اختلافاتِ زوجی از رضایتمندی زوجی بالاتری برخوردار هستند.

پژوهش حاضر براساس تجارب و ادراکِ زوجینِ موفق، به بررسیِ موضوعِ پراهمیتِ رضایتمندی زوجی، در بافتِ فرهنگی ـ اجتماعی ایران پرداخت. یافته‌ها نشان‌داد که عواملِ مختلفی در ابعادِ درون‌فردی و بین‌فردی نظیرِ بخشودگیِ بین‌فردی، تمایزیافتگی، همدلی، جرات‌مندی، بلوغِ عاطفی، عزت‌نفس و ثباتِ درونی بر رضایتمندی زوجین از پیوندِ خویش و موفقیتِ زندگی آن‌ها تاثیر دارد، عواملی که آموزشِ آن به زوجین و به‌کارگیری آن در جریانِ زندگی زوجی می‌تواند تاحدِ زیادی به سلامتیِ روابطِ زوجی و ثبات و استحکام نهادِ خانواده کمک بکند. به‌طورِ کلی این یافته‌ها از یک‌سو با شناسایی عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی و موفقیتِ زوجی تاحدِ زیادی زمینه و اطلاعاتِ کافی را برای تدوینِ برنامه‌هایِ آموزشی، پیشگیرانه و حتی درمانی مربوط به زوجین جهتِ داشتن زندگی زوجی موفق و تداومِ آن فراهم کرده و ازسویِ دیگر لزومِ هدایتِ پژوهش‌هایِ بیش‌تر در زمینه سلامتِ پیوندِ زوجی و خانواده را به‌جایِ تمرکز بر آسیب‌شناسیِ آن، متذکر می‌شود.

در این پژوهش هر زوج به‌صورت مشترک مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این شرایط احتمال این می‌رود که طرفین بخاطر حضور یکدیگر از بیان پاره‌ای از تجربیات امتناع کرده و بیش‌تر بر بیان تجربه‌های مثبت متمرکز شوند. انتظار می‌رود در پژوهش‌های آتی عوامل موثر بر رضایتمندی زوجی به‌گونه‌ای بررسی شود که هر یک از طرفین به‌صورت جداگانه مورد مصاحبه قرار گیرند. هیچ تفکیکی بین عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی زوجی از دیدگاه زنان و مردان صورت نگرفت و یافته‌ها به‌صورت ترکیبی و ادغام‌شده ارائه گشت. بهتر است در پژوهش‌های آتی بین تجارب زیسته زن و مرد مزدوج نوعی تفکیک حاصل شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

منابع

احمدی، ز.، و فاطمی، ن. (۱۳۹۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی با میانجی‌گری بخشش و همدلی: بررسی یک مدل. *مجله دانشکده علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۲(۱)، ۱۵_۲۵. https://dx.doi.org/10.22038/mjms.2019.13910

پاداش، ز.، یوسفی، ز.، عابدی، م.، و ترکان، ه. (۱۴۰۰). اثربخشی مشاوره زوجی به روش گاتمن بر رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی زنان متاهل متمایل به طلاق. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۴)، ۱۴۲۳_۱۴۳۶. http://dx.doi.org/10.52547/JPS.20.104.1423

ذوالفقاری، س.، مرادی، ا.، احمدیان، ح.، و علیزاده، ن. (۱۴۰۰). تاثیر آموزش مدل رضایت جنسی بر کاهش دلزدگی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۲۴(۲)، ۲۴۶_۲۵۵. http://dx.doi.org/10.32598/jams.24.2.6168.1

زارع درخشان، ا.، و روشن چسلی، ر. (۱۳۹۹). رابطه بین رضایت جنسی، خودکارآمدی جنسی و شادکامی بر رضایت زناشویی: نقش میانجی ناگویی هیجانی. ۱۸ (۱)، ۱۶-۱. https://dx.doi.org/10.22070/cpap.2020.2918

طیب، م.، و قمری، م. (۱۴۰۰). نقش خود متمایزسازی در پیش بینی رضایت زناشویی زنان شاغل. *نشریه پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۴۰)، ۲۳۷_۲۴۸. https://elmnet.ir/article/410051852-2032

علیزاده‌فرد، س.، و رزاقی، م. (۱۴۰۰). بررسی مدل ساختاری رابطه رضایت زناشویی با بنیان‌های شناختی ـ اخلاقی و تعهد زناشویی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرمانی*، ۴۷(۱)، ۲۵۹_۲۸۲. https://dx.doi.org/10.22054/qccpc.2021.57896.2613

عرب‌علیدوستی، ع؛ نخعی، ن؛ خانجانی، ن. (۱۳۹۴). پایایی و روایی پرسشنامه‌های رضایت زناشویی کانزاس و انتریچ کوتاه‌شده به زبان فارسی. *مجله بهداشت و توسعه*، ۴(۲)، ۱۵۸_۱۶۷. https://civilica.com/doc/515029/

کریمی، ی.، الماسی، س.، محمدی، رزگار.، و فاضلی، حسن. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای طلاق در افراد مطلقه: پژوهشی پدیدارشناسانه .*مطالعات روان شناسی بالینی*، ۷ (۲۵)، ۱۹۱-۲۱۱. https://dx.doi.org/10.22054/jcps.2017.7138

کیانی، ا.، نوابی نژاد، ش.، احمدی نوده، خ.، و تقوایی، د. (۱۴۰۰). فراترکیب عوامل استحکام بخش و خطرساز ازدواج در دهه اخیر در ایران، ۲۰(۷۷)، ۴-۳۷. http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v20i77.6133

گال، م.، بورگ، و.، و گال، ج. (۲۰۱۵). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در روانشناسی*. ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۹۸، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مرادی، ز.، و کشاورز، ح. (۱۴۰۰). کیفیت زندگی، رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی در بین کارکنان نیروی انتظامی (پژوهش کیفی). *فصلنامه روانشناسی نظامی*، ۱۲(۴۷)، ۳۱_۴۸. https://dorl.net/dor/20.1001.1.25885162.1400.12.47.2.5

مومنی، م. (۱۳۹۸). *بررسی رابطه خودتنظیمی هیجانی و دلزدگی زوجی با رضایتمندی زوجی زنام مراجع دارای اختلاف زوجی به مراکز مشاوره سطح شهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی، موسسه آموزش عالی بهار، تهران، ایران.

نورانی، م.، جزایری، ر.، و فاتحی‌زاده، م. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی ـ سازه‌گرا بر صمیمیت و رضایتمندی زناشویی زوجین دارای سن معکوس. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۵)، ۱۵۶۹_۱۵۸۶. http://dx.doi.org/10.52547/JPS.20.105.1569

Allendorf, K., & Ghimere, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society Keera Allendorf a, Dirgha J. *Ghimire. Social Science Research*, 42(1), 59–70. https://doi.org/10.1016/j.ssresearch.2012.09.002

Aydogan, D., Kara, E., & Kalkan, E. (2021). Understanding relational resilience of married adults in quarantine days. *Current Psychology*. https://doi.org/10.1007/s12144-021-02224-2

Bohart, A. C., & Watson, J. C. (2011). *Person-centered psychotherapy and related experiential approaches*. In S. B. Messer., A. S. Gurman, Essential psychotherapies: Theory and practice (3rd ed., pp. 223-260). New York, NY: Guilford press. https://psycnet.apa.org/record/2011-14204-007

Brand, J. E., Moore, R., Song, X., & Xie, Y. (2019). Parental divorce is not uniformly disruptive to children's educational attainment. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, *116*(15), 1_11. https://doi.org/10.1073/pnas.1813049116

Campbell, S., Greenwood, M., Prior, S., Shearer, T., Walkem, K., Young, S., ... & Walker, K. (2020). Purposive sampling: complex or simple? Research case examples. *Journal of Research in Nursing*, *25*(8), 652-661. https://doi.org/10.1177%2F1744987120927206

Corbally, M., & O'Neill, C. S. (2014). An introduction to the biographical narrative interpretive method. *Nurse Researcher*, *21*(5). https://doi: 10.7748/nr.21.5.34.e1237

David, P., & Stafford, L. (2013). A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage: The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. *Journal of Family Issues*, *36*(2), 232-249. https://doi.org/10.1177%2F0192513X13485922

Flynn, K. E., Lin, L., Bruner, D. W., Cyranowski, J. M., Hahn, E. A., Jeffery, D. D., Reese, J. B., Reeve, B. B., Shelby, R. A., & Weinfurt, K. P. (2016). Sexual Satisfaction and the Importance of Sexual Health to Quality of Life throughout the Life Course of U.S. Adults. *The Journal of Sexual Medicine*, *13*(11), 1642-1650. https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2016.08.011

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]

Gal, M., Borg, W., & Gal, J. (2015). *Quantitative and qualitative research methods in psychology*. Translation by Nasr esfahani, Tehran, Iran: Shahid Beheshti University Publication. http://ihej.ir/article-1-1652-en.

George, D., Lou, Sh., Webb, J., Pugh, J., Martinez, A., & Foukston, J. (2015). Couple similarity on stimulus characteristics and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 86(1), 126–131. https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.06.005

Goldenberg, H., & Goldenherg, I. (2015). *The revolution and evolution of family therapy and family psychology.* In J. H. Bray & M. Stanton (Eds.), The Wiley-Blackwell handbook of family psychology (pp. 21–36). Wiley Blackwell. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/14772-010

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation.* New York, NY: Sage Publications.

Oprisan, E, M., & Cristea, D. (2011). A few variables of influence in the concept of marital Satisfaction. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 33(1), 468-472. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.01.165

Plopa, M. (2020). Partners' Sexual Satisfaction in Partnership and Marriage: A Study Method. *Journal of Sex & Marital Therapy*, *46*(1), 78-98. https://doi.org/10.1080/0092623X.2019.1654578

Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC Psychology*, *8*(1), 15_25. https://doi.org/10.1186/s40359-020-0383-z

Schumm, W. R., Nichols, C. W., Schectman, K. L., & Grigsby, C. C. (1983). Characteristics of responses to the Kansas Marital Satisfaction Scale by a sample of 84 married mothers. *Psychol Rep*, 53(1), 567–72. https://doi.org/10.2466/pr0.1983.53.2.567

Schaan, V. K., Schulz, A., Schächinger, H., & Vögele, C. (2019). Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of Affective Disorders*, *257*, 91-99. https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.071

Sorokowski, P., Kowal, M., & Sorokowska, A. (2019). Religious Affiliation and Marital Satisfaction: Commonalities among Christians, Muslims, and Atheists. *Frontiers in Psychology*, *10*(1), 1_11. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02798

Wagner, B. G., Choi, K. H., & Cohen, P. N. (2020). Decline in Marriage Associated with the COVID-19 Pandemic in the United States. *Socius: Sociological Research for a Dynamic World*, *6*(1), 1_10. https://doi.org/10.1177%2F2378023120980328

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.9.17.0]